

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

مسئله وجوب فحص از اعلم

کسانی که قائلند که تقلید از اعلم تعیین دارد و یا این که مطابق با احتیاط هست، در دنباله نظرشان بیان کرده‌اند که «و يجب الفحص عنه»، فحص از اعلم واجب است.

روشن است که بنا بر نظر کسانی که تقلید از اعلم را لازم نمی‌دانند، دیگر مسئله فحص و وجوب فحص اصلاً مطرح نمی‌شود و این که مکلف باید فحص از اعلم کند، روی این نظریه معنا ندارد، اما بنا بر نظریه‌ای که تقلید از اعلم تعیین دارد، مسئله وجوب فحص هم مطرح می‌شود.

هم کسانی که تقلید از اعلم را احتیاطی می‌دانند و هم کسانی که تقلید از اعلم را به نحو وجوبی قائل‌اند، هر دو گروه مسئله فحص را به عنوان يك امر واجب مطرح کرده‌اند، یعنی این چنین نیست که بگوییم: کسانی که گفته‌اند تقلید از اعلم احتیاطی است، بگویند فحص هم احتیاطی است و یا تنها کسانی که گفته‌اند تقلید از اعلم تعیین دارد، فقط باید بگویند فحص تعیین دارد، بلکه مسئله وجوب فحص، عنوان مشترکی است که هم قائلین به احتیاط و هم کسانی که فتوا داده‌اند به لزوم تقلید از اعلم، این را قائل شده‌اند.

پس در اینجا بحث وجوب فحص باید علی‌المبني بحث شود، یعنی بنا بر مبناي کسانی که گفته‌اند رجوع به اعلم تعیین دارد یا رجوع به اعلم احتیاطی است، که آیا فحص از اعلم واجب است یا نه؟

در جایی که اعلم مشخص است، دیگر بحثی ندارد، اگر در میان چند نفر از مجتهدین، یکی اعلم از دیگران باشد، در این صورت بنا بر این دو مبنا، او تعیین دارد و بحثی ندارد، همچنین اگر اعلم مشخص نباشد، اما مکلف بخواهد به احتیاط عمل کند، یعنی در بین مجتهدین، بداند که یکی اعلم از دیگران هست، اما تشخیص ندهد که کدام اعلم از دیگری هست و بخواهد به احتیاط هم عمل کند، در این صورت هم لزومی ندارد که فحص کند که اعلم کدام يك از اینها هست.

بحث در جایی است که اعلم مشخص نیست و مکلف هم نمی‌خواهد به احتیاط عمل کند، آیا در چنین موردی می‌توانیم بگوییم که فحص واجب است یا نه؟

ادله قائلین به وجوب فحص

برخی مثل مرحوم آقای خوئی(ره) فرموده‌اند: فحص واجب است، امام(ره) در تحریر و مرحوم سید(ره) هم در کتاب عروه فرموده‌اند: فحص واجب است، برای اینکه حال که تقلید از علم واجب است، اگر فحص نکرد و به یکی از این فتاوا عمل کرد، نمی‌داند که آیا عمل به آن فتوا برایش معذرت می‌آورد یا نه؟ قطع به معذرت و برائت ذمه برایش حاصل نمی‌شود، لذا برای اینکه به حصول برائت ذمه قطع پیدا کند، در اینجا فحص واجب است و باید فحص کند و اعلم را تشخیص دهد.

پس نتیجه این می‌شود که فحص واجب است و این وجوب هم طبق این دلیلی که آوردیم، برای یقین به معذرت است و یک وجوب مولوی و شرعی نیست، لذا اگر کسی فحص از اعلم نکرد، نمی‌گوییم که معصیتی مرتکب شده و واجبی را ترک کرده، بلکه این وجوب، یک وجوب عقلی و ارشادی است، که عقل مکلف را ارشاد کرده می‌گوید: حال که تقلید از اعلم واجب است و تو هم می‌خواهی یقین به معذرت و برائت ذمه پیدا کنی، فحص به عنوان مقدمه واجب است.

پس تا اینجا روشن شد که بنا بر قول کسانی که تقلید از اعلم را واجب می‌دانند، فحص به عنوان یک وجوب ارشادی عقلی واجب است.

صور پنجگانه مسئله در کلام مرحوم حکیم(ره)

مرحوم آقای حکیم(ره) در کتاب مستمسک مسئله را پنج صورت کرده‌اند، یعنی در حقیقت به صورت کلی فتوای به وجوب فحص نداده‌اند، بلکه در بعضی از موارد فرموده‌اند: فحص واجب است و در بعضی از موارد هم فرموده‌اند: فحص واجب نیست.

صورت اول: در صورت علم به تفاضل و اختلاف در فتوا

صورت اول جایی است که مکلف علم به اختلاف در فضیلت و علم دارد، یعنی می‌داند در میان مجتهدین، بعضی از جهت علمی از دیگری قوی‌ترند، علم به تفاضل دارد و علم به اختلاف در فتوا هم دارد، که در این صورت ایشان فرموده‌اند: قبلاً گفتیم که در جایی که دو فتوای مختلف وجود دارد، ادله لفظیه حجیت شامل متعارضین نمی‌شود، - شبیه همان نظری که مرحوم آقای خوئی(ره) داشتند، که ما به تبع مرحوم اصفهانی گفتیم: این حرف درستی نیست و ادله حجیت شامل متعارضین هم می‌شود- لذا سراغ اجماع می‌آییم و اجماع هم که در اینجا دلالت دارد بر این که این فتاوا اعتبار دارد، آیا قبل از فحص است یا بعد از فحص؟ که ایشان فرموده: به نظر ما اجماع مربوط به بعد الفحص است، یعنی بعد از آن که فحص کرده و اعلم را تشخیص دادیم و فتوایش را هم مشخص کردیم، در اینجا اجماع قائم است بر این که باید به او رجوع کنیم.

بنابراین نتیجه می‌گیریم که ایشان فرمودند: در صورت اول اگر قبل از فحص بخواهیم به یکی از این فتاوا عمل کنیم، این اعتماد بر چیزی است که مشکوک الحجیه است و درست نیست. اگر اعلم را پیدا کرده بودیم، به فتوایش عمل می‌کردیم و این یقیناً حجت بود، اما اگر قبل از فحص که نمی‌دانیم کدام اعلمند، به فتوای یکی عمل کردیم، این اعتماد بر چیزی است که مشکوک الحجیه است.

ایشان فرموده: کسانی که تقلید از اعلم را لازم می‌دانند، در اینجا که اعلم و غیر اعلم مشتبه است، این از مصادیق اشتباه حجت بلا حجت می‌شود، یعنی قول اعلم حجیت دارد و قول غیر اعلم حجیت ندارد، لذا قبل از فحص، به قول هر کدام که عمل کنیم، برای ما مشکوک الحجیه است. لذا بنا بر این بیان ایشان فرموده: فحص واجب است.

صورت دوم: در صورت علم به تفاضل و جهل به اختلاف در فتوا

صورت دوم این است که علم به تفاضل داریم، یعنی می‌دانیم در میان اینها بعضی از بعض دیگر اعلمند، اما جهل به اختلاف داریم و نمی‌دانیم که آیا از نظر فتوا مختلف هست یا نه؟ که این همان بحثی است که گفتیم: اگر علم به موافقت و مخالفت بین اعلم و غیر اعلم نداشتیم، که در آنجا بحثش را مفصل مطرح کردیم.

ایشان در اینجا فرموده: حال که اختلاف در تفاضل از جهت علمی هست، اما از جهت فتوایی نمی‌دانیم که بینشان اختلاف وجود دارد یا نه؟ ادله حجیت شامل هر دو می‌شود، یعنی هم این فتوا حجیت دارد و هم آن فتوا و احتمال این که قول اعلم با غیر اعلم مخالف باشد، جلوی اطلاق ادله حجیت را نمی‌گیرد. لذا ایشان در این فرض فرموده‌اند: فحص واجب نیست.

البته در این صورت ادعایی را هم ذکر کرده و مورد مناقشه قرار داده‌اند.

صورت سوم: در صورت علم به اختلاف در فتوا و جهل به تفاضل

صورت سوم جایی است که علم به اختلاف باشد، اما جهل به تفاضل باشد، یعنی می‌دانیم که در بین اینها، از نظر فتوا اختلاف وجود دارد، اما نمی‌دانیم که آیا از نظر علمی و فضل بینشان اختلاف هست یا نه؟ اختلاف در فتوا برای ما محرز است، اما تفاضل بین اینها برای ما محرز نیست.

ایشان فرموده‌اند: این صورت هم درست حکم صورت اولی را دارد، یعنی در اینجا که علم به اختلاف در فتوا داریم و نمی‌دانیم که آیا اعلم در بین اینها هست یا نه؟ فحص واجب است. باید ببینیم که کدام یک از اینها اعلمند، تا قول اعلم را اخذ کرده و یقین به برائت ذمه پیدا کنیم.

در این صورت سوم اصلاً از اول نمی‌دانیم که آیا بین اینها اعلم وجود دارد یا نه؟ چه بسا همه مساوی باشند، که ایشان فرموده: در اینجا هم فحص واجب است و حکم همان صورت اولی را دارد.

مناقشه استاد محترم بر حکم صورت سوم

صورت اول جایی بود که علم به اختلاف در فتوا و اختلاف در تفاضل داریم، علم داریم به اختلاف در تفاضل و دلیل مهم مرحوم آقای حکیم(ره) هم در صورت اولی، اشتباه حجت بلا حجت بود، که اگر تفحص نکنیم و به یک فتوا عمل کنیم، این فتوا برای ما مشکوک الحجیه است، اما آیا در اینجا هم اشتباه حجت بلا حجت داریم یا نه؟ آیا در اینجا که احتمال تساوی می‌دهیم و نمی‌دانیم که بین اینها تفاضلی وجود دارد، بحث اشتباه حجت بلا حجت مطرح می‌شود یا نه؟

در اینجا اگر احتمال تساوی دادیم، اطلاق ادله حجیت همه را می‌گیرد، لذا در اینجا بحثی از نظر رجوع به هر کدام نیست، مگر این که بگوییم: چون اختلاف در فتوا است، اطلاق ادله حجیت متعارضین را نمی‌گیرد و باید سراغ اجماع برویم، که اجماع هم در صورت اولی فرمودید که در قبل از فحص جریان ندارد، - این را هم ما قبول داریم - ولی قدر متیقن اجماع جایی است که اصل وجود اعلم برای ما محرز باشد.

اما در اینجا نمی‌دانیم که در بین این ده نفر اصلاً اعلم وجود دارد یا نه؟ و احتمال می‌دهیم که همه اینها از جهت فضیلت متساوین باشند، دیگر اجماع جریان ندارد، لذا این که مرحوم آقای حکیم(ره) در این صورت سوم فرموده: حکم صورت اولی

را دارد، دارای مناقشه است.

صورت چهارم: در صورت جهل به اختلاف فتوا و تفاضل

صورت چهارم جایی است که به هر دو جاهل است، یعنی هم جاهل به اختلاف فتاوا است و هم جاهل به اختلاف در تفاضل است، که ایشان فرموده‌اند: این صورت حکم صورت دوم را دارد، همان طوری که در صورت دوم فرموده‌اند: فحص واجب نیست، در اینجا هم که جهل به اختلاف در فتوا داریم، اطلاق ادله حجیت مسلماً شاملش می‌شود، لذا هم این فتوا حجت می‌شود و هم فتوای دیگری، پس در اینجا هم فحص واجب نیست.

صورت پنجم: در صورت جهل به تعدد مجتهدین

صورت پنجم جایی است که يك مجتهد را می‌شناسد و شك دارد که اساساً آیا غیر از این مجتهد، مجتهد دیگری هم وجود دارد یا نه؟ که ایشان فرموده‌اند: در اینجا فحص واجب نیست، چون اطلاق ادله حجیت شامل این فتوا هم می‌شود.

ایشان فرموده‌اند: «و لا یبعد استقرار بناء العقلاء، و سيرة المتشرعة، على العمل بالفتوى مع الشك في وجود مجتهد آخر من دون فحص عنه»، در صورت پنجم، می‌داند که يك مجتهد هست، اما نمی‌داند مجتهد دیگری هم وجود دارد یا نه، ادله حجیت این را هم می‌گیرد، سیره عقلاء و متشرعه هم بر این است که به این فتوا عمل می‌شود، شك هم که دارد که مجتهد دیگری هست یا نه، نیازی به فحص ندارد.

بعد فرموده‌اند: «فعدم وجوب الفحص في هذه الصورة أظهر منه فيما سبق»، عدم وجوب فحص در این صورت از آن دو صورتی که گفتیم: فحص در آن واجب نیست، اظهر است.

در نتیجه مرحوم آقای حکیم(ره) از این پنج صورت، در دو صورت فرموده‌اند: فحص واجب است، اما در سه صورت فرموده‌اند: فحص واجب نیست.

نظر استاد محترم در این مسئله

بالاخره به چه نتیجه کلی می‌رسیم؟ آیا به صورت کلی بگوییم: کسانی که گفته‌اند: تقلید از اعلم واجب است، می‌گویند: مطلقاً فحص هم واجب است، یعنی چه جایی که بدانی اعلم در بین اینها وجود دارد و چه جایی که احتمال بدهی که یکی از اینها اعلم از دیگران است، یا این که بنا بر این مبنا کسانی که گفته‌اند: تقلید از اعلم واجب است، می‌گویند: تنها در جایی که یقین داریم که در بین مجتهدین یکی از دیگران اعلم است و یقین هم داریم که بینشان اختلاف در فتوا وجود دارد، فحص واجب است؟ که نظر ما همین است.

آنچه به نظر ما می‌رسد، این است که دلیلی که دلالت بر وجوب فحص دارد، که وجوب فحص يك وجوب عقلی ارشادی است، تنها در همین مورد است، که بدانیم در بین اینها یکی اعلم است و بدانیم که در بینشان هم اختلاف وجود دارد. اما در جایی که بدانیم یکی اعلم است و علم به موافقت و مخالفت هم نداریم، قبلاً بحثش را مفصل گفتیم که اگر تقلید از اعلم هم در جای خودش واجب باشد، در چنین فرضی واجب نیست.

پس آن مقداري که براي وجوب فحص دليل داريم در همين دايره است، يعني در جايي که علم به اختلاف فتوا و علم به اينکه احدهما يا احدهم اعلم از ديگري است داريم، اما جايي که علم به اختلاف نداريم، يا اينکه علم اجمالي به اعلميت نداريم، ادله حجيت شامل همه اين اطراف مي‌شود و مخيريم و ديگر فحص واجب نيست.

ادله قائلين به عدم وجوب فحص و مناقشه در آن

كساني که در مقابل قائلين به وجوب فحص ايستاده و مي‌گويند: فحص واجب نيست، دو دليل آورده‌اند؛ يکي اصالة البرائه است، که شك مي‌کنيم که آيا فحص واجب است يا نه؟ اصل برائت است.

اما اين جوابش روشن است، اگر در مقام بيان حکم و وجوب مولوي فحص باشيم، اين اصالة البرائه معنا دارد، اما وقتي در مقام بيان حکم عقلي ارشادي هستيم، ديگر اصالة البرائه معنا ندارد. در حکم واقعي که شك نکرديم، بلکه عقل مي‌گويد: در چنين مواردی فحص واجب است، که ما هم گفتيم: دايره حکم عقل تنها در جايي است که علم به اختلاف در فتوا و علم به تفاضل داشته باشيم، اما در جايي که علم به اختلاف نيست، يا جايي که علم اجمالي به اعلم نيست، عقل فحص را واجب نمي‌داند، پس اين اصالة البرائه کنار مي‌رود.

دليل دوم اين است که گفته‌اند: اين دو فتوا، دو اماره است که تعارض مي‌کنند و امکان جمع بين اين دو و طرح هر دو، يعني رد کردن هر دو و اين که تنها يکي را تعيين کنيم نيست، «فلا بد من التخيير بينهما».

اين هم جوابش اين است که كساني که مي‌گويند: در دو فتواي متعارض، ادله حجيت نمي‌آيد، در اینجا هم مي‌گويند: ادله حجيت شاملشان نمي‌شود، اما اجماع بر تخيير بعد الفحص هم هست، که قدر متيقنش جايي است که مکلف فحص کند و اعلم را تشخيص ندهد.

خوب فقط تنها نکته‌اي که در اینجا باقي مانده، که روي آن فکر کنيد تا فردا عرض کنيم، اين است طبق بحث ديروز که گفتيم: در شبهات موضوعيه فحص واجب نيست و تنها فحص در شبهات حکميه است، الان اگر ندانم که کدام يك از اينها اعلم از ديگري هست، اين شبهه، شبهه حکميه است يا موضوعيه؟ البته که موضوعيه است، پس چرا كساني مثل مرحوم آقاي خوئي(ره) که تصريح کرده‌اند در شبهات موضوعيه، فحص لازم نيست، در اینجا تصريح مي‌کنند که فحص از اعلم واجب است؟

و صَلَّى الله على محمد و آله الطاهرين